



چشم‌انداز پویایی استراتژی‌های سیاست خارجی آمریکا در پرتو تولید نفت و گاز شیل

احسان جعفری فر^۱، علی باقری دولت‌آبادی^۲، مهین سیام‌نصوری^۳

چکیده

تأمین امنیت انرژی یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های قدرت‌های بزرگ است. به همین خاطر جهت‌گیری سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ پیوسته در جهت تضمین دسترسی به انرژی، کاستن از هزینه‌ها، کوتاه کردن زمان انتقال انرژی بوده است. با توجه به کشف و بهره‌برداری از میدان‌های جدید انرژی همچون نفت شیل در آمریکا سوالی که مطرح می‌شود این است که استخراج منابع نفت و گاز شیل چه تأثیری بر راهبرد سیاست خارجی آمریکا گذاشته است؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند که با استخراج منابع انرژی شیل میزان وابستگی به واردات این منابع برای آمریکا کاهش یافته و سیاست خارجی آمریکا اهرم فشار قوی‌تری نسبت به سایر کشورها بدست آورده است. برای آزمون فرضیه از روش توصیفی-تحلیلی و ارائه شواهد عینی و انطباق آن با نظریه استفاده شده است. همچنین داده‌های لازم به شیوه کتابخانه‌ای از منابع الکترونیک و نوشتاری گردآوری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد استخراج نفت و گاز شیل چهار تأثیر بر راهبرد سیاست خارجی آمریکا گذاشته است: ۱- به آمریکا کمک نموده تا در برابر نوسانات قیمت و یا کاهش عرضه انرژی به بازار قدرت مقاومت بیشتری پیدا نماید. ۲- به واشنگتن کمک کرده تا از

۱- دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Ehsan_Jafari_Far@yahoo.com

۲- دانشیار روابط بین‌الملل، عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

Abagheri@yu.ac.ir

Mah.sm0098@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران.



وقوع این رویدادها برای ضربه زدن به اقتصاد رقبای خود همچون چین و اروپا استفاده نماید. ۳- از میزان وابستگی آن به دولت‌های حاشیه خلیج فارس کاسته است. ۴- اهرم تحریم را در سیاست خارجی آمریکا کارآمدتر و در دسترس تر ساخته است.

واژگان کلیدی: نفت شیل، آمریکا، سیاست خارجی، انرژی، خاورمیانه.

مقدمه

بعد از پایان نظام دوقطبی بروندهای جاری در نظام بین‌الملل اهمیت مباحث «ژئواکونومیک»^۱ را بیش از پیش کرد. اهمیت ژئواکونومیک موجب شد تا یکی از چالش‌های مهم جهانی در این قرن، چالش بر سر انرژی برای تقویت اقتصاد داخلی و رقابت بین کشورها گردد. از همین رو، مسئله «امنیت انرژی»^۲ از ارکان مهم پارادایم اقتصاد سیاسی این قرن گردید. ایالات متحده آمریکا از جمله کشورهایی است که برای تداوم رهبری خود بر جهان نیازمند کنترل منابع انرژی و تامین امنیت آن است. این امر زمانی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند که در نظر داشته باشیم مهمترین رقبای آمریکا در بحث رهبری جهان (چین و اروپا) به شدت به واردات انرژی وابسته هستند و این کشور قبلاً بحران انرژی را در دهه ۱۹۷۰ میلادی تجربه کرده است. اگرچه کشورها نفت‌خیز خاورمیانه ارتباط نزدیکی با آمریکا دارند اما این روابط نزدیک نمی‌تواند این اطمینان خاطر را به آمریکا دهد که امنیت انرژی این کشور تضمین شده است. تجربه افزایش قیمت یا خودداری از افزایش میزان تولید نفت برای متعادل نگه داشتن قیمت انرژی موجب شده است که آمریکا از چندین دهه قبل سرمایه‌گذاری بزرگی بر روی منابع نفت و گاز شیل در کشور خود کند. با توجه به شرایط فوق پرسش مقاله این است که استخراج منابع نفت و گاز شیل چه تأثیری بر راهبرد سیاست خارجی آمریکا گذاشته است؟ فرضیه مقاله این است که با استخراج منابع انرژی شیل میزان وابستگی به واردات این منابع برای آمریکا کاهش یافته و سیاست خارجی آمریکا اهرم فشار قوی‌تری نسبت به سایر کشورها بدست آورده است. برای آزمون فرضیه از روش توصیفی-تحلیلی و ارائه شواهد عینی و انطباق آن با نظریه استفاده شده است. همچنین داده‌های لازم به شیوه کتابخانه‌ای از منابع الکترونیک و نوشتاری گردآوری شده‌اند.

پیشینه پژوهش

در خصوص اهمیت انرژی در سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ آثار فراوانی به زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است؛ اما در این میان آنچه کمتر مورد توجه بوده است پیامدهای کشف و

Geo - Economic - ۱

Energy Security - ۲



بهره برداری از میدان‌های نفت و گاز شیل بوده است. از بین آثار منتشر شده در این باره پژوهش‌های ذیل نزدیک‌ترین عناوین را به پژوهش حاضر داشته‌اند. بر این اساس با مرور آنها تلاش خواهیم نمود تا وجه تمایز اثر حاضر از این آثار علمی را روشن سازیم.

سلیمی و عمیدپور (۲۰۲۲) در مقاله «تأثیرگذاری انرژی بر اهمیت ژئوپلیتیکی کشورهای صادرکننده نفت» استدلال می‌کنند که انقلاب نفت شیل در ایالات متحده و انتقال منابع انرژی کشورهای جهان به منابع پایدارتر، به ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر، اهمیت امنیت در کشورهای عربی خلیج فارس را برای سیاستمداران آمریکایی کاهش داده و در آینده تشدید خواهد کرد. تمرکز مقاله بر بعد سیاسی پیامدهای دسترسی به منابع انرژی‌های غیرمتعارف^۱ برای آمریکا موجب گردیده تا مقاله درباره سایر ابعاد این رویداد اطلاعاتی در اختیار خواننده نگذارد.

جهان‌دیده (۱۳۹۷) در پایان نامه خود با عنوان «تأثیر تولید نفت شیل بر جایگاه ایالات متحده آمریکا در بازار جهانی نفت (۲۰۱۷-۲۰۰۷)» تلاش کرده است تا به این پرسش پاسخ دهد که تولید نفت شیل چگونه بر جایگاه ایالات متحده آمریکا در بازار جهانی نفت (۲۰۱۷-۲۰۰۷) تاثیر گذاشته است؟ نتیجه این پژوهش این است که تولید نفت شیل در ایالات متحده از طریق بهبود تقویت توانمندی‌های این کشور در تأثیرگذاری بر روندهای بازار نفت، سبب بهبود جایگاه رو به افول آمریکا در بازار جهانی نفت شده است. محدود بودن بازه زمانی پژوهش و به روز نبودن آن از جمله انتقادات وارد بر این پژوهش است.

طاهری و رستم آقایی (۱۳۹۵) در مقاله «گاز شیل و امنیت انرژی کشورهای منطقه خلیج فارس» به این نتیجه رسیده‌اند که در طی سالهای آینده استقلال انرژی آمریکا ژئوپلیتیک جهانی را تغییر خواهد داد و خلیج فارس حساس‌ترین ناحیه به این تغییر است. اگرچه این مقاله اطلاعات خوبی در اختیار خواننده قرار می‌دهد اما عدم جامع‌نگری و اکتفا کردن به یک منطقه از جهان از جمله ضعف‌های پژوهش محسوب می‌شود.

۱- اطلاق عنوان غیرمتعارف به این منابع به این خاطر است که با استفاده از روش‌های معمول و متداول جهت تولید از منابع هیدروکربوری زیرزمینی تولید نمی‌گردد و برای تولید و فرآوری این نوع انرژی، نیاز به فرایندهای پیچیده‌ای است.

صیادی و خداپرست (۱۳۹۵) در مقاله «توسعه صنعت نفت و گاز شیل آمریکا و پیامدهای اقتصادی-سیاسی آن بر بازار انرژی جهان» به دو مقوله افزایش صرفه جویی در مصرف انرژی در آمریکا و کشف نفت و گاز شیل به عنوان عوامل کاهش وابستگی به منابع انرژی یاد کرده‌اند. اگرچه مقاله قصد بررسی پیامدهای اقتصادی-سیاسی صنعت نفت و گاز شیل بر بازار انرژی جهان را داشته است اما آنچه بیشتر به آن پرداخته شده است تأثیرات این صنعت بر اشتغال در آمریکا و افزایش گاز طبیعی مایع شده در این کشور و کاهش وابستگی بوده است. کوتاه بودند مقاله و به روزنوده داده‌ها از دیگر ضعف‌های این مقاله است.

بللی^۱ (۲۰۱۳) در مقاله «گاز شیل در ایالات متحده: پیامدهای جهانی، گزینه‌هایی برای اتحادیه اروپا» بیان می‌دارد که رونق گاز شیل تأثیر بی‌سابقه‌ای بر بازار انرژی ایالات متحده دارد و این به نوبه خود پیامدهای مهمی برای بقیه جهان به ویژه خاورمیانه و روسیه دارد. به نظر نویسنده سیاست کانادا و چین گسترش این منبع انرژی است اما اروپا فعلاً از این رویکرد فاصله دارد. بر این اساس رویکرد مقاله تجویز توجه به این منابع است. عدم تبیین پیامد دسترسی به نفت شیل بر راهبرد آمریکا از جمله کاستی‌های این مقاله محسوب می‌گردد.

با مرور تحقیقات پیشین مشخص می‌شود که این آثار به لحاظ بازه زمانی، وسعت و دامنه پژوهش و افق دید دارای محدودیت‌هایی هستند. بنابراین قادر به ارائه یک تصویر کامل و جامع از پیامدهای نفت و گاز شیل بر راهبردهای آمریکا نیستند. مقاله حاضر می‌کوشد بر این نقایص فائق یابد و خلاء علمی موجود در این زمینه را پر نماید.

مبانی نظری

مفهوم امنیت انرژی، مفهومی جدید در روابط بین‌الملل است. این مفهوم در آغاز دهه ۱۹۹۰ به وسیله مکتب کپنهاگ وارد نظریه‌های روابط بین‌الملل شد (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۷). از منظر مکتب کپنهاگ، ارائه تحلیل وسیع‌تری از امنیت که شامل بخشهای سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی گردد، یک مهم و ضرورت تلقی می‌شود. در همین راستا یکی از مسائلی که با

۱- Jacopo Bellelli



امنیت اقتصادی گره خورده است، بحث امنیت انرژی است. امروزه، اهمیت امنیت انرژی با پیشرفت اقتصاد جهانی و افزایش نیاز به منابع انرژی و سوخت‌های فسیلی، انتقال و ترانزیت آن بیش از گذشته گردیده است. مقابله با چالش‌های احتمالی تهدید امنیت منابع نفت و گاز، خطوط انتقال آن و راه‌های مواصلاتی یکی از ضروریات امنیت اقتصادی است که خود ارتباط تنگاتنگی با امنیت ملی دارد. به همین خاطر کشورهای صادرکننده انرژی در صدد تشکیل مجموعه امنیت منطقه‌ای انرژی برآمده‌اند تا اثرگذاری خود بر اقتصاد جهان را دوچندان سازند (نوروزی‌زاده و گودرزی، ۱۴۰۰:۱۰۴). متقابلاً کشورهای واردکننده انرژی به دنبال راه‌هایی می‌گردند تا این وابستگی را کاهش دهند.

عامل دیگری که در شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی انرژی نقش دارد، الگوهای دوستی و دشمنی تاریخی است که بر چگونگی و سطح وابستگی انرژی تأثیر دارد. الگوهای دوستی و دشمنی عواملی هستند که نشان می‌دهند، چرا برخی وابستگی‌های انرژی سیاسی و امنیتی می‌شوند؟ در حالیکه برخی دیگر به این سرنوشت دچار نمی‌شوند. برای مثال، دولت الف دارای روابط دوجانبه خوب با دولت ب است. ممکن است دولت ب ۳۰ درصد از انرژی وارداتی خود را از دولت الف تأمین کند. اگرچه این وابستگی زیاد است، اما در واقع تهدید اساسی برای دولت ب ایجاد نمی‌کند. اما اگر دولت الف دارای روابط مخاصمه آمیزی با دولت ج باشد، آنگاه اگر دولت ج تنها ۱۰ درصد انرژی خود را از دولت الف وارد کند، این میزان واردات می‌تواند تهدیدی برای دولت ج باشد. در حقیقت این الگوهای دوستی و دشمنی دولت الف با دولت‌های ب و ج است که در شکل‌گیری مجموعه امنیتی انرژی تأثیر دارد و چگونگی و سطح وابستگی را مشخص و تعیین می‌کند (طاهری و سیفی، ۱۳۹۳). ساختار مجموعه امنیتی انرژی ممکن است به عنوان نتیجه تغییرات نسبی در درصد و میزان وابستگی انرژی و یا به عنوان نتیجه تغییر در روابط از وابستگی به وابستگی متقابل انرژی (یا برعکس) دگرگون شود. برای مثال، ساخت یک نیروگاه جدید در یک کشور می‌تواند وابستگی

آن نوع انرژی در آن کشور را تا حدی کاهش دهد. با این وجود نمی‌تواند الگوهای وابستگی در درون منطقه را به طور کلی دگرگون سازد و بنابراین ساختار حفظ وضع موجود بر مجموعه امنیتی انرژی حاکم است. تحول داخلی زمانی رخ می‌دهد که پروژه‌های انرژی در سطح منطقه به اندازه کافی برای تغییر الگوهای وابستگی در درون منطقه ایجاد شود. تحول خارجی می‌تواند به عنوان نتیجه راهبردی گسترش زیرساخت‌های انرژی، نظیر خطوط لوله نفت و گاز در نظر گرفته شود که مقادیر زیادی از منابع انرژی اضافی را از مجموعه خارج و یا به آن وارد می‌کند و الگوهای وابستگی انرژی را تغییر داده و سایر دولت‌ها را به مجموعه متصل می‌کند. فشار خارجی در مجموعه امنیتی انرژی می‌تواند در زمان وابستگی تقریباً کامل به یک تامین کننده انرژی در یک منطقه در نظر گرفته شود. این فشار زمانی رخ می‌دهد که یک دولت حالت انحصاری در انتقال انرژی داشته باشد (انصاری، ۱۳۹۷: ۲۲).

اهمیت انرژی بر آینده جایگاه قدرت‌های بزرگ تا جایی است که آنها از دهه ۸۰ میلادی در صدد شکل دادن رژیم‌های بین‌المللی درباره آنها برآمدند. کارکرد رژیم‌های بین‌المللی این است که: ۱- در حوزه‌های موضوعی خاص همچون انرژی ایجاد الگو نموده و دولت‌ها را ملزم به انطباق خود با این قواعد می‌سازد. خاصیت این رژیم‌ها این است که سرپیچی از قواعد آن مجازات خواهد داشت. ۲- رژیم‌ها هزینه مبادلات بین‌المللی را در چانه‌زنی‌های مشروع کاهش و در چانه‌زنی‌های نامشروع افزایش می‌بخشد. این کار به قدرت‌های بزرگ کمک خواهد کرد که جلوی افزایش قیمت بی‌رویه انرژی در جهان را بگیرند. ۳- رژیم‌ها عدم قطعیت را با ارائه اطلاعات و افزایش مسئولیت‌پذیری کاهش می‌دهند و بدین ترتیب جلوی تقلب و بی‌اعتمادی بین بازیگران را می‌گیرند. در بازار انرژی این اطلاعات به دولت‌ها کمک خواهد نمود تا برحسب اطلاعات بازار خریدهای آتی خود را انجام دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۶۸). به همین خاطر است که رابرت کوهن معتقد است یک قدرت بزرگ و هژمون باید بتواند چند وظیفه را به خوبی برعهده گیرد: ۱- به مواد خام از جمله منابع انرژی دسترسی داشته باشد. ۲- سرمایه‌ها را کنترل کند.



۳- بازاری بزرگ برای واردات داشته باشد. ۴- مزیت نسبی خود درخصوص محصولات با ارزش افزوده بالا را حفظ نماید (Keohane, 1984: 33-34). اگر یک ابرقدرت نتواند این وظایف را به خوبی انجام دهد هیچگاه قادر به تثبیت و حفظ هژمونی خود نخواهد شد. حتی برخی نظریه پردازان واقعگرا شرایط فوق را کافی ندانسته و عناصر جدیدی بر آن افزوده‌اند. در همین رابطه سوزان استرنج چهار عنصر قدرت ساختاری که می‌تواند موقعیت هژمونی قدرت بزرگ را تثبیت سازد به شرایط فوق اضافه کرده است. به اعتقاد وی یک قدرت هژمون علاوه بر شرایط فوق الذکر باید: توانایی تهدید یا محافظت از امنیت فیزیکی سایر کشورها با توسل به سلاح را داشته باشد (عنصر امنیتی)؛ توانایی کنترل سیستم جهانی تولید کالا و خدمات را برای خود حفظ نماید (عنصر تولید)؛ توانایی شکل دادن به بازار سرمایه بین‌المللی مالی و اعتباری را داشته باشد (عنصر مالی)؛ و توانایی هدایت توسعه، انباشت و انتقال دانش را حفظ نماید (عنصر دانش) (Strange, Suzan, 1987:656). با توجه به توضیحات نظری فوق اینک به بررسی اهمیت و جایگاه انرژی‌های نامتعارف در جهان و پیامدهای استخراج و بهره برداری از منابع نفت و گاز شیل خواهیم پرداخت.

اهمیت و جایگاه انرژی‌های نامتعارف در جهان

از نظر توزیع جغرافیایی ذخایر متعارف به طور عمده در خاورمیانه، آمریکای لاتین، شمال و غرب آفریقا و آسیای میانه و منابع نامتعارف در آمریکای شمالی، آمریکای لاتین، اروپای شرقی و اوراسیا قرار دارند. علی‌رغم اینکه حدود ۴۰ درصد ذخایر متعارف نفت جهان تاکنون مورد استفاده قرار گرفته و الباقی آن باقی مانده است؛ اما نگرانی‌ها درخصوص افزایش قیمت و مصرف آن در آینده موجب گردیده تا توجه به ذخایر نامتعارف بویژه در آمریکا بیش از پیش گردد. به نحوی که آمریکا با داشتن سابقه یک قرن و نیم در استخراج منابع متعارف (نخستین حفاری در ایالت پنسیلوانیا در سال ۱۸۵۹) پیشتاز استفاده از منابع نامتعارف است. برآورد منابع نفت و گاز شیل آمریکا و ۱۳۷ تأسیسات شیل در ۴۱ کشور جهان نشان می‌دهد که ۱۰ درصد از نفت خام و ۳۴ درصد از منابع گاز طبیعی قابل برداشت جهان، متعلق به این نوع از نفت و گاز است (ر.ک: جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: ذخایر متعارف و نامتعارف انرژی جهان بر حسب میلیارد بشکه

ذخایر متعارف		ذخایر نامتعارف	
خاورمیانه	۱۹	آمریکای شمالی	۴۰
آمریکای جنوبی و لاتین	۱۹	خاورمیانه	۲۱
آمریکای شمالی	۱۳	اروپای شرقی و اوراسیا	۱۹
اروپا و اوراسیا	۱۳	اروپای شرقی و اوراسیا	۱۹
اروپا و اوراسیا	۸/۵	آمریکای جنوبی و لاتین	۱۲
آفریقا	۸	آفریقا	۳/۶
آسیا- پاسفیک	۲/۵	آسیا- پاسفیک	۲/۶
		اروپای غربی	۱/۸

(سعیدی نیاسر، ۱۳۹۵: ۴۵-۴۴)

منابع گاز غیرمتعارف به منابعی اطلاق می‌شود که در آن «متان در لایه‌های سنگ رسوبی محبوس است». از مهمترین این منابع می‌توان به گازهای شیل، گازهای سخت و متان محبوس در بستر ذغال سنگ اشاره کرد. در این میان گازهای شیل بیش از نیمی از گازهای غیر متعارف جهان را شامل می‌شود (صمدی و امامی میبدی، ۱۳۹۴: ۲). نیمی از منابع نفت شیل شناخته‌شده خارج از آمریکا در کشورهای روسیه (۷۵ میلیارد بشکه)، چین (۳۲ میلیارد بشکه)، آرژانتین (۲۷ میلیارد بشکه) و لیبی (۲۶ میلیارد بشکه) قرار گرفته و بیش از نیمی از منابع گاز شیل خارج از آمریکا نیز در کشورهای چین، آرژانتین، الجزایر، کانادا و مکزیک قرار گرفته است (اسلامی و غریبی، ۱۳۹۷: ۸۷).

پیامدهای استخراج نفت و گاز شیل بر سیاست خارجی آمریکا

در ادامه به پیامدهای استخراج منابع شیل که بر سیاست خارجی آمریکا تاثیر می‌گذارد اشاره خواهد شد. این پیامدها بر چهار موضوع متمرکز است: افزایش جایگاه آمریکا نسبت به رقبای کاهش اهمیت خاورمیانه در سیاست آمریکا، چانه‌زنی بر قیمت‌گذاری انرژی و اهرم فشار به سایر کشورها.



۱- افزایش جایگاه آمریکا نسبت به رقبا

آمریکا دارای ۵۸ میلیارد بشکه نفت شیل و ۶۶۵ تریلیون مترمکعب گاز است. اهمیت این ذخایر آنگاه روشن خواهد شد که در نظر داشته باشیم تنها چهار کشور آمریکا، کانادا، چین و آرژانتین دارای توانایی تولید تجاری گاز طبیعی یا نفت از منابع شیل هستند (اسلامی و غریبی، ۱۳۹۷: ۸۷). از این رو، تعریف مجدد جایگاه آمریکا در ساختار اقتصاد سیاسی نفت تداعی گر این مسئله است که آمریکا می‌تواند ثبات اقتصادی تولیدکنندگان فعلی را بر هم بزند و هم اقتصاد سیاسی مصرف کنندگان نفت در جهان را نیز با بی‌ثباتی روبرو سازد. به عبارتی اگر در بخش عرضه انرژی با محدود نمودن سهم بازار و کاهش درآمدهای تولیدکنندگان ثبات اقتصادی آن‌ها می‌تواند به عنوان تهدید ظاهر شود؛ در بخش مصرف کنندگان این مسئله که تبدیل شدن آمریکا به یک صادرکننده نفت و گاز مایع می‌تواند وابستگی بسیاری از رقبای آن کشور مانند هند، کشورهای اروپایی، چین، ژاپن و کره جنوبی و... به انرژی تولیدی در آمریکا را به دنبال داشته باشد به منزله آن است که آمریکا امکان پیش رفتن به سمت سیاست یک‌جانبه‌گرایی را دارد.

در این چهارچوب آمریکا به منظور تحکیم سلطه خود در بخش انرژی‌های فسیلی تلاش خواهد کرد بر رقبای خود در این عرصه چیره شود. در این مسیر ساده‌ترین راه تقویت هرچه بیشتر پیشرفت‌های فناوری و پایین آوردن هزینه و افزایش حجم تولید از یک طرف و از میدان بدر کردن رقبا با توجه به مزیت اقتصادی آن‌ها از سوی دیگر است. اما چنانچه در این راه نتواند به هدف خود نائل گردد ممکن است در قدم بعد خارج کردن رقبا را به صورت فیزیکی در دستور کار قرار دهد. این کار می‌تواند با کاستن از قدرت انتخاب سبد خرید واردکنندگان نفت و ایجاد انحصار برای نفت تولیدی در آمریکا انجام شود. طبق پیش‌بینی اداره اطلاعات انرژی آمریکا با توجه به رشد سریع تولید گاز در آمریکا نسبت به مصرف آن طی یک دهه آینده صادرات گاز طبیعی از واردات آن پیشی خواهد گرفت؛ به طوری که در سال ۲۰۳۵ آمریکا به صادرکننده اصلی گاز در جهان با تولید ۱/۴ تریلیون فوت مکعب تبدیل خواهد شد که نیمی از این گاز به صورت میعانات گازی و نیمی دیگر از طریق خطوط لوله از مسیر مکزیک صادر خواهد شد (زارعی و پلتن، ۱۳۹۹: ۱۱۹).

۲- کاهش اهمیت خاورمیانه در سیاست آمریکا

بررسی روندهای موجود در ساختار جدید اقتصاد سیاسی بین‌الملل مؤید آن است که در این ساختار، انرژی از جمله ارکان مهم سازنده هژمونی است و نقشی راهبردی در جایگاه قدرت‌های بزرگ جهانی ایفا می‌کند. به همین دلیل، مفهوم امنیت انرژی از نگاه آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده به معنای «فراهم بودن عرضه انرژی قابل مصرف در محل مصرف نهایی به مقدار کافی و به موقع» است و قدرت‌های بزرگ موظفند تا با بذل توجه به انرژی، تداوم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور خود را تضمین سازند (ایجابی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۰-۱۳۹). در گذشته این امر از طریق منابع متعارف و تضمین دسترسی به آن صورت می‌گرفت. قدرت‌های بزرگ همچون آمریکا و انگلیس می‌کوشیدند با دست زدن به کودتا، سرنگونی رهبران غیرمطیع، اشغال نظامی و اعمال فشار دسترسی به منابع را فراهم سازند. امروزه این راهبرد با دشواری‌های جدی مواجه شده است. زیرا افکار عمومی به آسانی برای حمله به کشور دیگر، اشغال آن و غارت منابعش مجاب نخواهد شد. به همین خاطر قدرت‌های بزرگ همچون آمریکا مجبورند اهداف اصلی خود را پشت نقاب مداخله بشردوستانه، گسترش دموکراسی، صلح و حقوق بشر پنهان سازند. راه جایگزین و در دسترس‌تر یافتن منابع غیرمتعارف و سرمایه‌گذاری بر روی آن است. امری که از نیم قرن پیش به صورت جدی در آمریکا دنبال و به نتایج خوبی منتهی شده است (صمدی و امامی میدی، ۱۳۹۴: ۲). از این رو، برخی تحلیلگران استدلال می‌کنند که با در نظر گرفتن ظرفیت جدید انرژی در آمریکا می‌توان انتظار داشت که حضور پررنگ و قدرتمند نظامی آمریکا در خاورمیانه از این پس اولویت اساسی سیاست خارجی آمریکا نخواهد بود و دکترین کارتر و ریگان که آمریکا را متعهد به دفاع از کشورهای عرب خلیج فارس در برابر هر گونه تهاجم خارجی و شورش داخلی می‌کرد دیگر آنچنان اعتبار نخواهد داشت. از سوی دیگر مسئله تغییر کانون توجه ایالات متحده آمریکا از خاورمیانه اقدامی درست به نظر می‌رسد زیرا اقتصاد آمریکای لاتین و آسیا در حال رشد هستند و اهمیت استراتژیک این دو منطقه، رفته رفته در حال افزایش است. بنابراین آمریکایی‌ها خواهان تمرکز بیشتر بر این مناطق خواهند بود (طاهری و رستم آقایی، ۱۳۹۵: ۱۶۷).



از دیگر عوامل مهم تأثیرگذار در ایجاد تغییرات در سیاست خارجی آمریکا و کاهش اهمیت خاورمیانه برای واشنگتن، مطرح شدن کشف میادین عظیم نفتی قابل استحصال در آمریکای شمالی (انقلاب شیل اویل^۱) و بهبود موقعیت آمریکا در زمینه تولید نفت است. اهمیت پیامدهای ژئواستراتژی این موضوع بیش از تأثیرات اقتصادی آن است. اعلام استقلال آمریکا از نفت خاورمیانه می‌تواند بر معادله‌های بین‌المللی و ساختارهای قدرت در سطح جهانی تأثیرگذار باشد. آمریکا به دلیل وابستگی به نفت خاورمیانه حضور سیاسی و نظامی در این منطقه داشته است و از میان رفتن این نیاز سبب‌ساز آزادی عمل بیشتر آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی خواهد شد. امری که به دلیل عدم وابستگی عمیق به نفت این کشور را کمتر درگیر مسائل و بحران‌های این منطقه می‌کند. این نگرش درخصوص چگونگی کارکرد سیستم جهانی یک‌روند تغییر به حساب می‌آید (پوراحمدی و منصوریان، ۱۳۹۳: ۱۲۱). به‌علاوه با در نظر گرفتن این مسئله که کیفیت و خصوصیات نفت خام حاصل از منابع نامتعارف آمریکا مشابه نفت خام سبک کشورهای غرب آفریقا است، افزایش بهره‌برداری از منابع نامتعارف نفت خام در ایالات متحده دست این کشور را برای کاهش واردات نفت از کشورهای تولیدکننده چون نیجریه و آنگولا باز خواهد گذاشت (جهان‌دیده، ۱۳۹۷: ۱۰۷). با اینحال این تغییر به معنای نادیده انگاشتن خاورمیانه و شمال آفریقا در سیاست‌های آتی آمریکا نیست و برای مهار رقبای بین‌المللی این منطقه به آوردگاهی برای تضعیف آنها تبدیل خواهد شد.

۳- شکل‌گیری رقابت بین نفت اوپک و شیل

کشف ذخایر عظیم نفت و گاز نامتعارف مانند شیل، به ویژه در آمریکا، کانادا، روسیه و امکان توسعه و استخراج مخازن به صورت تجاری، با توجه به قیمت نفت خام و گاز طبیعی، موجب شده است که تصویر اقتصاد سیاسی عرضه و تقاضای نفت و گاز در سطح جهانی تغییر کند. این تغییرات از هم‌اکنون ظاهر شده و آثار میان‌مدت و بلندمدت خود را بر آرایش جدید بازیگران بازار جهانی نفت و گاز در آینده نزدیک نمایان خواهد ساخت. در سال ۲۰۱۳ گزارشی با عنوان ذخایر

نفت شیل و گاز شیل قابل بهره‌برداری از سوی اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده^۱ منتشر شد که بر اساس آن، ذخایر گاز شیل، ۶۶۲۲ تریلیون فوت مکعب و ذخایر شیل نفت، ۳۲ بیلیون بشکه برآورد شده بود. این آمار نشان می‌داد که در آینده ایالات متحده از یک واردکننده به یک صادرکننده انرژی تبدیل خواهد شد (شیروی و مرادی مزرعه‌نو، ۱۳۹۸: ۳۱۶-۳۱۵).

از آنجا که افزایش قدرت اقتصادی و کسب فناوری نوین قادر است بر توانایی دولت‌ها تأثیر بگذارد و جای دوستان و دشمنان آن‌ها را عوض نماید، توسعه فناوری شیل با توجه به رفع محدودیتی که بر رفتار آمریکا جهت تشویق تولید نفت ارزان و فراوان در خاورمیانه اعمال می‌کند سبب می‌گردد که آمریکا دیگر تولیدکنندگان نفت خاورمیانه را نه به عنوان متحدان راهبردی خود، بلکه به عنوان رقبایی که قادر هستند صنعت شیل آن کشور را به همراه هزاران فرصت شغلی و تجارت نوپا - که با این صنعت در آمریکا شکوفا شده‌اند به نابودی بکشاند - بنگرد. این نگرش می‌تواند برای منطقه خاورمیانه نوعی تهدید به شمار آید. چراکه دولت‌ها زمانی که تشابه کارکردی پیدا کنند بیشتر از آنکه برای هم سودمند باشند برای یکدیگر خطرناک‌اند. در این میان واضح است که رقابت بین خاورمیانه و آمریکا در موضوع تولید نفت بیش از آنکه برای آمریکا خطرآفرین باشد، ثبات اقتصادی خاورمیانه را تهدید می‌کند؛ چراکه قواعد و قوانین حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی منعکس‌کننده منافع بازیگران قدرتمند است و پرونده‌های بازار از عوامل سیاسی، نهادی و سایر عوامل غیراقتصادی بازیگران قدرتمند تأثیر می‌پذیرد (نامداری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۱).

بسیاری از کارشناسان با اینکه تأثیر نفت شیل ایالات متحده را در حجم تولید داخلی آن کشور مثبت ارزیابی می‌کنند؛ اما آن را به اندازه‌ای که توانایی خودکفا کردن ایالات متحده را داشته باشد نمی‌دانند و دلیل این امر را هم اثرات نامطلوب زیست‌محیطی، کمبود امکانات حمل و نقل نفت و زیرساخت‌های پالایش و همچنین افزایش هزینه تولید این ماده معدنی بیان می‌کنند. آنها معتقدند در قیمت‌های پایین‌تر از ۱۰۰ دلار در هر بشکه، هیچ‌کس توانایی تولید نفت شیل را نخواهد



داشت. به همین خاطر اوپک در تلاش برای شکست شیل و خارج کردن آن از گردونه رقابت است. این راهبرد اوپک در نبرد با نفت شیل تلاشی بر مبنای راهبرد حداقل کردن حاشیه سود برای تولیدکنندگان شیل آمریکا است. اما این راهبرد شرکت‌ها را به فکر راههایی برای کاستن از هزینه‌های تولید نفت و گاز شیل انداخت. از جمله این نوآوریها، استفاده بهینه از آب، پروپانت و هرگونه ماده شیمیایی برای بالا بردن راندمان چاه‌های نفت، حفاری چندین چاه در یک منطقه خاص، استفاده از تجهیزات الکترونیکی جهت تشخیص زمان تعمیرات و تعویض ماشین آلات به جای انسان، بود. علاوه بر این موارد شرکت‌های نفتی همزمان با انجام تحقیقات در شرکت‌های خود در مراکز خارج از شرکت نیز به سرمایه‌گذاری تحقیقاتی مبادرت می‌کردند. کاهش شدید قیمت‌ها موجب شد پس از تابستان ۲۰۱۴ اوپک در نهایت پدیده انقلاب شیل را به رسمیت بشناسد و سعی در تغییر سیاست خود در قبال آن کند. در نهایت این شرایط باعث گردید که محمد بارکیندو دبیر کل اوپک در مصاحبه‌ای در ۶ مارس سال ۲۰۱۸ به تمایل برای داشتن روابط نزدیک‌تر با تولیدکنندگان شیل آمریکا اذعان کند. در این راستا دبیر کل اوپک برای اولین بار در جلسه کنفرانس سالانه انرژی در هیوستون آمریکا در یک ضیافت شام در مارس ۲۰۱۸ با مدیران صنایع شیل آمریکا دیدار کرد. او در این دیدار گفت که قیمت‌های پایین نفت به هردوی تولیدکنندگان شیل و تولیدکنندگان اوپک به یک میزان آسیب می‌رساند (نامداری و برزگر، ۱۳۹۸: ۳۱۰-۳۰۸).

برای درک اهمیت گاز شیل باید به دو نکته باید توجه کرد: الف) نخست مسئله افزایش شدید سهم گاز طبیعی در سبد انرژی جهانی است که میزان مصرف جهانی سوخت‌های مایع از ۸۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به میزان ۱۱۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید. این نکته را باید در نظر نیز داشت که تقاضای جهانی برای گاز طبیعی تا ۲۰۳۵ بیش از ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. میزان رشد تقاضا برای گاز برابر با مجموع رشد تقاضا برای زغال‌سنگ، نفت و انرژی هسته‌ای و بیشتر از میزان تقاضای جهانی برای منابع تجدیدپذیر است. میزان رشد مصرف جهانی گاز طبیعی طی بازه ۲۵ ساله ۲۰۳۵-۲۰۱۰ به میزان سالانه ۱/۶ درصد پیش‌بینی شده

درحالی که نفت و زغال‌سنگ به ترتیب ۰/۶ و ۰/۸ درصد است. طبق آمارهای آژانس بین‌المللی انرژی سهم گاز طبیعی به ۲۵ درصد در سال ۲۰۳۵ خواهد رسید که با پشت سر گذاشتن ذغال سنگ به دومین منبع تأمین انرژی اولیه جهان بعد از نفت تبدیل خواهد شد. ب) افزایش سهم تولید گازهای نامتعارف همچون گاز شیل که تا سال ۲۰۳۵ بیش از ۳ برابر رشد داشته و به ۱/۶ تریلیون مترمکعب خواهد رسید. مطابق آمارهای آژانس بین‌المللی انرژی حدود دوسوم افزایش عرضه‌ی جهانی گاز طبیعی تا ۲۰۳۵ از منابع نامتعارف حاصل می‌شود (طاهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱۶). برآورد اداره اطلاعات انرژی ایالات متحد بیانگر ۳۲۵۶۰ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز نامتعارف در جهان است که حدود ۵۰ درصد گاز نامتعارف در جهان به گاز شیل تعلق دارد. بیشترین ذخایر پس از آمریکای شمالی به چین و هند تعلق دارد (طاهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱۹).

۴- چانه‌زنی در خصوص قیمت‌گذاری انرژی

در حال حاضر منابع غیرمعارف به عنوان یک راهکار امید بخش در راستای بهبود امنیت عرضه انرژی گاز و یا کاهش وابستگی‌های واردات از جمله آمریکا مطرح است. آمریکا از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر گاز شیل جهان است. اولین واحد تولید گاز شیل در سال ۱۸۲۱ در نیویورک را اندازی شد اما استفاده عمده و اقتصادی از این منبع عظیم به تأخیر افتاد. با این حال امروزه با فناوری‌های پیشرفته بین ۲ تا ۳ دلار بر هر هزار فوت مکعب گاز هزینه تولید گاز شیل از هر ناحیه به ناحیه دیگر متفاوت است و این رقم یک دوم تا یک سوم هزینه تولید گاز از منابع معارف در آمریکای شمالی است. دلیل سیاست‌های حمایتی از تولید گاز شیل به این دلیل است که بعد از جنگ جهانی دوم آمریکا کنترل خود بر صنعت نفت را متوقف نمود تا اینکه در ۱۹۶۱ کمیسیون انرژی فدرال برای قیمت فروش گاز طبیعی بین ایالات آمریکا سقف تعیین کرد. در حال حاضر بزرگ‌ترین ذخایر کشف شده نفت شیل در جهان در منطقه گرین‌ریور^۱ که شامل بخش‌هایی از ایالت‌های کلرادو، یوتا و وایومینگ در غرب ایالات متحده می‌شود، قرار دارد. برای برآورد منابع نفت شیل ایالات متحده از دو معیار به‌طور معمول استفاده می‌کند: منابع درجا و منابع



قابل استحصال. ایالات متحده آمریکا به واسطه سرمایه گذاری های بزرگ و پیشرفت های قابل توجه تکنولوژیکی در نفت شیل توانسته است هزینه تولید را پایین بیاورد. از این رو، اکنون می تواند در نرخ پایین به تولید خود ادامه دهد و همچنین سهم تولید نفت شیل را به صورت قابل توجه در بازار افزایش بدهد. آمریکا استقلال انرژی خود را برای تأمین امنیت انرژی خود تعقیب می کند بنابراین به دنبال تثبیت قیمت در محدوده ای خواهد بود که در وهله نخست به تولید و توسعه نفت شیل خود صدمه ای وارد نسازد و دوم اینکه منافع جانبی دیگر از جمله فشار به کشورهای دارای تضاد منافع با این کشور همچون روسیه و ایران که وابستگی زیادی به درآمدهای نفتی دارند را تأمین نماید (صیادی، ۱۳۹۵: ۵۶).

مازاد عرضه بر تقاضا جهانی نفت و استخراج نفت نامتعارف در آمریکا مهم ترین عوامل در کاهش قیمت نفت است. در حال حاضر اساسی ترین مسئله کشورهای مصرف کننده انرژی، تأمین مطمئن انرژی و ایجاد امنیت عرضه است. بر این اساس ایجاد رژیم در این حوزه بر اساس اصول و بنیان های خاص یک امر اجتناب ناپذیر است. امنیت عرضه، بازار باثبات و مطمئن را می طلبد که نفت را با قیمتی مناسب و حتی ارزان برای مصرف کنندگان تأمین کند. ایالات متحده آمریکا به عنوان مدعی رهبری جهان مدتهاست در صدد استقرار رژیمی در عرصه نفت است. تلاش برای کنترل منابع نفتی، حمایت گسترده از شرکت های نفتی آمریکا، سرمایه گذاری های نفتی، سیاست توسعه تولید کشورهای غیر اوپک از جمله تولید در ایالات متحده، کنترل سیستم قیمت گذاری و... برخی از اقدامات این کشور در راستای تضمین امنیت انرژی به ویژه تأمین امنیت قیمت نفت بوده است. با این وجود قیمت نفت همواره نوساناتی را تجربه کرده است (جهان دیده، ۱۳۹۷: ۱۰۱).

یکی از چالش های عمده پیش روی نفت و گاز شیل قیمت آن است. با افزایش قیمت نفت، تولید این منابع به دلیل افزایش سرمایه گذاری در این صنعت و سوددهی، افزایش می یابد و با کاهش قیمت، تولید از این منابع دیگر مقرون به صرفه نیست. با انفجار قیمت نفت و رسیدن به ۶۰ دلار در سال ۲۰۰۵، ۹۰ دلار در سال ۲۰۰۷ و ۱۴۷ دلار در سال ۲۰۰۸ رؤیای استخراج چنین منابعی به وقوع پیوست و این حقیقت را ثابت کرد که هرچه قیمت بالاتر رود، عرضه آن هم بیشتر

و به صرفه‌تر می‌شود (میرترابی و یاری، ۱۳۹۸: ۱۰۳-۱۰۲). بنابراین از منظر بعد قابل قبول بودن می‌توان به این نکته پرداخت که نفت شیل در این زمینه ویژگی دوگانه‌ای دارد: به این صورت که از یک طرف به واسطه تولید نفت شیل در مقایسه با تولید از محل ذخایر متعارف، این نوع نفت پرهزینه‌تر است. از منظر صرف قیمت و مقایسه آن با تولید از محل ذخایر متعارف، تولید نفت شیل به امنیت انرژی ایالات متحده کمک نمی‌کند؛ اما اگر در موضوع قابل خرید بودن موضوع ثبات قیمت را مدنظر قرار دهیم می‌توان گفت از آنجا که ثبات قیمت انرژی تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی دارد بنابراین فارغ از بالا یا پایین بودن قیمت انرژی، تولید نفت شیل به ثبات جهانی قیمت نفت در بازار کمک می‌کند و می‌تواند ضریب امنیت انرژی ایالات متحده را بالا ببرد (میرترابی و یاری، ۱۳۹۸: ۱۰۳). به‌طور معمول منابعی که در آن بین ۲۵ تا ۵۰ بشکه نفت از یک تن شیل به دست آید دارای جذابیت برای توسعه است. در مقابل منابعی با درجه کمتر از ۱۰ بشکه نفت در هر تن منابع درجا تلقی نمی‌گردند و به دلیل هزینه بالا و پراکندگی منابع فاقد توجیه اقتصادی هستند. لازم به ذکر است در سال ۱۳۹۳ معادل ۸۰۰ میلیارد بشکه نفت شیل قابل برداشت بود که این مقدار به‌نهایی سه برابر ذخایر کشف‌شده عربستان سعودی به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در جهان محسوب می‌گردد. با عنایت به متوسط نیاز مصرفی روزانه آمریکا به فرآورده‌های نفتی که حدود ۲۰ میلیون بشکه است، اگر نفت شیل بتواند یک چهارم تقاضای داخلی آمریکا را پوشش دهد، که این معادل تولید ۵ میلیون بشکه در روز است، ذخایر نفت شیل قابل برداشت، ۴۰۰ سال نیاز آمریکا به انرژی فسیلی را تأمین خواهد کرد (زیباکلام و عرب عامری، ۱۳۹۳: ۱۸۷-۱۸۶).

۵- اهرم فشار به سایر کشورها

بدون تردید بی‌نیازی ایالات متحده از منابع نفت و گاز خاورمیانه نه تنها به کاهش علایق این کشور به منطقه منجر نخواهد شد بلکه این امر قدرت مانور آمریکا را در منطقه افزایش بیش از پیش ارتقا خواهد داد. باید توجه داشت که سلطه بر مناطق نفت خیز جهان، کنترل آبراه‌ها و معابر عبور انرژی، اهرم مناسبی برای قدرت و تفوق آمریکا بر رقبای اقتصادی خود خواهد بخشید. بنابراین وقتی ایالات متحده آمریکا خودش از منابع انرژی منطقه بی‌نیاز باشد، قدرت مانور در



جهت فشار بر رقبایی که نیازمند منابع این منطقه هستند می‌تواند بیشتر شود چرا که بروز هرگونه ناامنی در منطقه، امنیت انرژی رقبای را به طور جدی تهدید خواهد کرد (صیادی و خداپرست، ۱۳۹۵: ۵۶). نمونه متاخر این رویداد را واکنش محدود و دیر هنگام آمریکا نسبت به تهدید کشتی‌های اسرائیلی در تنگه باب‌المندب از سوی گروه انصارا... یمن می‌توان یافت. اگرچه انصارا... اعلام نمود که قصد برهم زدن امنیت عبور و مرور کشتی‌ها را ندارد و فقط کشتی‌هایی که مبدا و مقصد آنها بنادر اسرائیل باشد را هدف قرار خواهد داد اما برخی از شرکت‌های کشتیرانی ترجیح دادند که به جای عبور از دریای سرخ، قاره آفریقا را دور زنند. این کار علاوه بر افزایش طول زمان تحویل بار، بر هزینه‌ها و قیمت تمام شده آن نیز می‌افزود. این افزایش قیمت بویژه نفت برای آمریکا که بخش عمده نیاز خود را از خارج از خاورمیانه تامین می‌نماید چندان دردسرساز نبود و صرفاً رقبا (اروپائیان) را هدف می‌گرفت. لذا مقامات آمریکا به مدت چند هفته از کنار این اقدامات انصارا... به راحتی گذشتند و پس از آن نیز ترجیح دادند و واکنش نظامی محدودی انجام دهند (Abdel-Baqui and Nissenbaum, 2024). سابرینا سینگ^۱ سخنگوی پنتاگون به صراحت اعلام نمود: «ما فکر نمی‌کنیم در حال جنگ هستیم. ما نمی‌خواهیم شاهد یک جنگ منطقه‌ای باشیم. اقدامات ما صرفاً دفاع از خود^۲ است» (Aljazeera, 2024).

از آنجا که اغلب کشورهای تولیدکننده نفت - که فاقد اقتصادهای متنوع هستند - نظیر روسیه و کشورهای اوپک از جمله ایران با کاهش قیمت نفت با مشکلات بودجه‌ای عدیده‌ای روبه‌رو می‌شوند؛ این مسئله اکنون به یکی از اهرم‌های فشار اقتصادی و سیاسی آمریکا بر این کشورها تبدیل شده است. به‌واقع این وابستگی شدید بودجه‌ای کشورهای اوپک قدرت و ابتکار عمل آن‌ها را برای بیرون راندن نفت رقیب یعنی شیل به میزان زیادی کاهش داده است. تام دانیلون^۳، مشاور امنیت ملی سابق باراک اوباما، توسعه منابع شیل را به‌عنوان یک لحظه تحول ساز تعریف می‌کند که

۱- Sabrina Singh

۲- Self-Defence

۳- Thomas Edward Donilon

به واشنگتن فرصت بسیار عالی در تعقیب و تکمیل اهداف امنیت بین‌المللی آمریکا به شیوه‌های مختلف را می‌دهد. دانیلون به‌عنوان نمونه به تحریم نفت ایران اشاره می‌کند که به خاطر نقش نفت تولیدی آمریکا در جایگزین شدن با کمبود عرضه نفت ایران در بازار جهانی جلوی افزایش قیمت نفت را گرفت و به متحدانش ژاپن و هند اطمینان داد که پیوستن آنها به رژیم تحریم‌ها به اقتصادشان آسیبی نمی‌رساند. ایالات متحده همچنین از دست قوی در رابطه با عربستان سعودی، تولیدکننده‌ای که به‌طور سنتی از نقش خود به‌عنوان قدرت متعادل‌کننده بازار جهانی نفت استفاده می‌کند، بهره‌برداری کرده است. این موقعیت عربستان در بازار جهانی نفت به سبب تأثیر انرژی غیرمتعارف شیل تا حدی کاهش یافته است و واشنگتن دیگر به‌مانند گذشته و به‌صورت بلندمدت به جلب رضایت خاندان سعود در موضوعات سیاست خارجی و امنیت ملی احساس تعهد نمی‌کند (جهان‌دیده، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

نتیجه‌گیری

برای نزدیک به یک قرن، نفت شیل در غرب ایالات متحده به‌عنوان یک منبع جایگزین برای نفت متعارف محسوب می‌شد ولی هزینه‌های بالای تولید شیل در مقایسه با قیمت‌های پایین نفت خام تولید شیل را فاقد توجیه اقتصادی می‌نمود. با افزایش ناگهانی قیمت نفت در بازارهای جهانی طی دهه اخیر نگاه راهبردی به منابع انرژی در دستور کار سیاست‌گذاری انرژی آمریکا قرار گرفت و آمریکا تلاش‌های فراوانی را برای کاهش وابستگی به واردات انرژی انجام داد. تنوع‌بخشی به عرضه انرژی از طریق توسعه صنعت نفت و گاز نامتعارف شیل یکی از این اقدامات بود.

راهبرد ملی این کشور و سیاست سرمایه‌گذاری بر روی منابع شیل به گونه‌ای مورد توجه سیاستمداران قرار گرفت که بتواند به نحوی به کاهش وابستگی ایالات متحده به بازار جهانی انرژی و محدود کردن واردات انرژی، تبدیل شود. به‌علاوه با درک تهدید جدی اقتصاد رو به افزایش چین آمریکا تلاش نموده تا از انرژی به‌عنوان یک سلاح در برابر رقبای اقتصادی خود استفاده نماید. آمریکا در صدد است از یکسو انحصار خود بر منابع انرژی جهان را بدست آورد و از سوی



دیگر قیمت گذاری و میزان عرضه آن را در دست خود نگه دارد. چین یکی از این رقبای جدی است که نه تنها فاصله خود از آمریکا را طی دو دهه اخیر کم کرده است بلکه در حوزه اقتصادی از آمریکا پیش افتاده است. یکی از راههای کاستن از سرعت رشد اقتصادی پکن بالابردن قیمت مواد خام اولیه بویژه نفت و گاز است. بخش عمده نیاز چین از خاورمیانه تامین می شود و صادرکنندگان نفت و گاز منطقه - بجز ایران - در وضعیت اتحاد با آمریکا قرار دارند. واشنگتن امیدوار است با استفاده از حربه انرژی بتواند چین را پس زده و بتدریج جایگاه برتر خود در اقتصاد جهان را احیا نماید.

همچنین آمریکا همزمان می کوشد تا وابستگی خود به انرژی در خاورمیانه را کم نماید. این کار به کاخ سفید اجازه خواهد داد تا در آینده ابزارهای فشار بیشتری بر رهبران اقتدارگرای عرب خاورمیانه در اختیار داشته باشد. رفتارهای این کشورها به ویژه عربستان تحت رهبری محمد بن سلمان در جریان حمله روسیه به اوکراین نشان داد که چندان در راستای منافع آمریکا حرکت نمی نماید و تمایلی برای رفتار در چارچوب بازی آمریکا و افزایش عرضه نفت به بازارهای جهانی ندارد. رفتارهای این چینی برای سران کاخ سفید قابل تحمل نخواهد بود. آنها خواهند کوشید علاوه بر کاهش وابستگی به نفت این کشورها، سهم بیشتری از بازار انرژی جهان را در دست خود داشته باشند.

طبق آنچه از زبان رابرت کوهن بیان شد یک ابرقدرت باید این توان را داشته باشد که منابع انرژی جهان را در کنترل خود داشته باشد. آنچه گاه در منطقه خاورمیانه دیده می شود خلاف گزاره فوق است. همچنین آمریکا نیاز دارد برای تمرکز بیشتر بر چین پایگاههای نظامی خود را به شرق آسیا انتقال دهد. این انتقال به معنای کاستن از تعهدات نسبت به امنیت کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. نمونه بارز این مساله در حمله به آرامکو در سال ۲۰۱۹ پس از خروج سامانه های پدافندی آمریکا از عربستان خود را نشان داد. آمریکا درصدد است این پیام را به روشنی به حاکمان عرب منطقه منتقل نماید که هزینه های تامین امنیت خود را باید پردازند و نمی توانند به کاخ سفید متکی باشند.

باید در نظر داشت که سیاست خارجی آمریکا با استخراج منابع نفت و گاز شیل دچار دگرگونی قابل توجهی خواهد شد اما از سوی دیگر نمی‌توان کاهش میزان اهمیت سایر منابع یا کشورها را به معنای پایان مداخله آمریکا دانست؛ چراکه با حضور آمریکا در بازار انرژی این کشور از تمام اهرم‌ها و قدرت خود در جهت پیشینه سازی منافع استفاده خواهد کرد. این کشور به خوبی می‌داند که در دنیای رقابت با سایر قدرت‌ها نیاز به انرژی و امنیت انرژی تا چه اندازه می‌تواند حایز اهمیت باشد. استخراج نفت و گاز شیل آمریکا یک راهبرد با دوام در آینده خواهد بود و این کشور جهت وابسته نگه داشتن کشورهای مختلف و کاهش نقش کشورهای صادرکننده تلاش خواهد کرد. ابزار تحریم یکی از اقداماتی است که این کشور در جهت باز کردن بازارهای انرژی جهان به روی خود در آینده از آن بیشتر استفاده خواهد کرد تا بتواند جایگاه آنها را بامنابع خود پر کند. بهره‌برداری از نفت و گاز شیل دست آمریکا را برای تحریم‌های بیشتر و هدفمندتر باز خواهد کرد. برنامه فشار حداکثری آمریکا در دوران ترامپ برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران نمونه بارز این مساله است. بنابراین به نظر می‌رسد بازیگران منطقه ای همچون ایران باید هرچه سریعتر خود را از وابستگی به درآمدهای نفتی نجات داده و به منابع درآمدی غیرنفتی تکیه نمایند. انعقاد قراردادهای نفتی بلندمدت با خریداران این محصول یکی از گزینه‌های پیش رو خواهد بود. این کار می‌تواند به کشورهای خریدار نفت انگیزه‌های بیشتری برای ایستادگی در برابر فشارهای آمریکا دهد.

منابع

الف) فارسی

- اسلامی، مسعود؛ غربی، محسن. (۱۳۹۷)، ژئواکونومی نوین انرژی و پیامدهای آن برای امنیت انرژی جهان. نشریه سیاست خارجی، سال (۲) ۳۲، صص ۱۰۲-۴۱۷۱
- انصاری، محمد حسین. (۱۳۹۷). پیامدهای استراتژیک انقلاب شیل برای اروپا ۲۰۰۵-۲۰۱۷. پایان نامه ارشد مطالعات منطقه گرایش مطالعات اروپا، دانشگاه علامه طباطبائی.



- ایجابی، ابراهیم؛ بیات، روح‌اله، شیروانی ناغانی، مسلم. (۱۳۹۷). اولویت بندی انواع انرژی در ایران باهدف افزایش امنیت انرژی در افق ۱۴۰۴ با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، (۲۹) ۸، صص ۱۳۵-۱۵۷.
- پوراحمدی، حسین؛ منصوریان، اصغر. (۱۳۹۳). تغییرات سیاست خارجی آمریکا و تحولات خاورمیانه. مطالعات راهبردی (۶۶) ۱۷، صص ۱۲۸-۱۰۳.
- جهان‌دیده، علی. (۱۳۹۷). تأثیر تولید نفت شیل بر جایگاه ایالات متحده آمریکا در بازار جهانی نفت (۲۰۱۷-۲۰۰۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ فرجی، بهرام. (۱۳۹۳). تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل‌گیری تریبات امنیت منطقه‌ای؛ مطالعه موردی منطقه خلیج فارس از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰. فصلنامه آفاق، (۲۴) ۷، صص ۱۰۶-۷۹.
- رکابیان، رشید؛ عله‌پور، مهرداد. (۱۳۹۸). تبیین راهبردهای تأمین امنیت انرژی پکن در کانون‌های مهم انرژی مطالعه موردی؛ منطقه راهبردی غرب آسیا. فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، (۱) ۱، صص ۶۳-۳۵.
- زارعی، بهادر؛ پیلتن، فرزاد. (۱۳۹۹). چرخش استراتژیک آمریکا از خلیج فارس به منطقه آسیا - پاسیفیک. سیاست، (۱) ۵۰، صص ۱۳۱-۱۱۱.
- زیباکلام، صادق؛ عرب‌عامری، جواد. (۱۳۹۳). منابع غیرمتعارف انرژی و جایگاه خلیج فارس در سیاست امنیت انرژی ایالات متحده. فصلنامه سیاست خارجی، (۱) ۲۸، صص ۱۹۸-۱۷۳.
- سعیدی نیاسر، سید محمدرضا. (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی راهبردهای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در واکنش به انقلاب شیل. فصلنامه سیاست خارجی، (۱) ۳۰، صص ۴۱-۶۴.

- شیروی، عبدالحسین؛ مرادی مزرعه‌نو، عبدالحسین. (۱۳۹۸). رویکردهای قانونی در مدیریت ریسک استخراج نفت و گاز شیل. مطالعات حقوق انرژی، (۲) ۵، صص ۳۳۳-۳۱۳.
- صمدی، علی حسین؛ امامی میبدی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر گسترش منابع گازی نامتعارف بر تولید گاز طبیعی ایران: رویکرد پویایی شناسی سیستم. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، (۱۵) ۴، صص ۴۲-۱.
- صیادی، محمد؛ خداپرست، یونس. (۱۳۹۵). توسعه صنعت نفت و گاز شیل آمریکا و پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن بر بازار جهانی انرژی. ماهنامه اکتشاف و تولید نفت و گاز، (۱۳۹)، صص ۵۸-۴۸.
- طاهری، ابوالقاسم؛ جوکار، محمدصادق؛ طوسی، مهدی. (۱۳۹۴). چشم‌انداز تجاری شدن جهانی منابع گاز شیل و اثرات راهبردی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. سیاست دفاعی، (۲) ۲۳، صص ۲۲۹-۲۰۷.
- طاهری، ابوالقاسم؛ رستم آقایی، علیرضا. (۱۳۹۵). گاز شیل و امنیت انرژی کشورهای منطقه خلیج فارس. فصلنامه علوم سیاسی، (۳۷) ۱۲، صص ۱۸۱-۱۴۵.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت.
- میر ترابی، سعید؛ یاری، مریم. (۱۳۹۸). تأثیر نفت شیل بر امنیت انرژی و سیاست خارجی آمریکا در خلیج فارس. مطالعات خاورمیانه، (۲) ۲۶، صص ۱۱۴-۸۹.
- نامداری، بهروز؛ برزگر، کیهان. (۱۳۹۸). منابع غیرمتعارف نفت (شیل) و روندهای سازمان اوپک. پژوهش‌های راهبردی سیاست، (۲۸) ۸، صص ۳۲۵-۲۹۳.
- نامداری، بهروز؛ برزگر، کیهان؛ قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۹۷). ارزیابی تأثیر منابع غیرمتعارف هیدروکربنی شیل بر تغییر راهبرد آمریکا در خاورمیانه با استفاده از روش همبستگی. نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، (۱) ۱، صص ۲۲۰-۱۸۷.



- نوروزی زاده، فتح اله؛ گودرزی، مهناز. (۱۴۰۰). بررسی نقش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس بر امنیت ملی ایران. فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، (۴)، ۱۱، صص ۱۲۰ - ۹۹.

ب) انگلیسی

English References

- Abdel-Baqi, Omar; Nissenbaum, Dion. (2024). U.S. Steps Up Strikes on Houthis in Yemen. *The Wall Street Journal*, Jan 18, <https://www.wsj.com/world/middle-east/u-s-steps-up-strikes-on-houthis-in-yemen-46756368>(Accessed 2024/1/20)
- Aljazeera Media Network. (2024). US says 'not at war' with Houthis; Biden admits strikes not halting attacks. Jan 19, <https://www.aljazeera.com/news/2024/1/19/us-says-not-at-war-with-houthis-biden-admits-strikes-not-halting-attacks>(Accessed 2024/1/20)
- Ayoob, C.(2021). Towards Energy Security for the Twenty-First Century. 15 May,;: <https://www.intechopen.com/chapters/71825>(Accessed 2024/1/20)
- Bellelli, Jacopo. (2013). The Shale Gas 'revolution' in the United States: Global implications, options for the EU. Policy Department, Directorate-General for External Policies.
- Energymonitor. (2021). Oil nations face perilous future without energy transition support. 8 April, <https://www.energymonitor.ai/policy/just-transition/oil-nations-facing-a-perilous-future-without-energy-transition-support>(Accessed 2024/1/20)
- Ipi. (2020). Achieving Energy Security. <https://www.api.org/news-policy-and-issues/safety-and-system-integrity/achieving-energy-security> (Accessed 2024/1/20)
- Keohane, Robert, O. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton: Princeton University Press.
- Researchandmarkets. (2022). Middle-East Oil and Gas Line Pipe Market - Growth, Trends, COVID-19 Impact, and Forecasts (2022 - 2027). <https://www.researchandmarkets.com/reports/5529930/middle-east-oil-and-gas-line-pipe-market>

- Salimi, M.; Amidpour, M. (2022). The Impact of Energy Transition on the Geopolitical Importance of Oil-Exporting Countries. *World*, 3(3), pp.607–618.
- Strange, Suzan. (1987). The Persistent Myth of Lost Hegemony. *International Organization*, 41(4), pp. 551–74.
- Strausscenter. (2020). Energy and Security. <https://www.strausscenter.org/energy-and-security-project/iran-2/> (Accessed 2024/1/20)

Translate References to English

- Abdel-Baqui, Omar; Nissenbaum, Dion. (2024). U.S. Steps Up Strikes on Houthis in Yemen. *The Wall Street Journal*, Jan 18, <https://www.wsj.com/world/middle-east/u-s-steps-up-strikes-on-houthis-in-yemen-46756368>(Accessed 2024/1/20)
- Aljazeera Media Network. (2024). US says ‘not at war’ with Houthis; Biden admits strikes not halting attacks. Jan 19, <https://www.aljazeera.com/news/2024/1/19/us-says-not-at-war-with-houthis-biden-admits-strikes-not-halting-attacks>(Accessed 2024/1/20)
- Ansari, Mohammad Hossein (2018). "Strategic Consequences of the Shale Revolution for Europe (2005-2017)." Master's Thesis in European Studies, Allameh Tabataba'i University. (IN PERSIAN)
- Ayoob, C.(2021). Towards Energy Security for the Twenty-First Century. 15 May,: <https://www.intechopen.com/chapters/71825>(Accessed 2024/1/20)
- Bellelli, Jacopo. (2013). The Shale Gas ‘revolution’ in the United States: Global implications, options for the EU. Policy Department, Directorate-General for External Policies.
- Ejabi, Ebrahim; Bayat, Rouhollah; Shirvani Nagani, Moslem (2018). "Prioritization of Energy Types in Iran with the Aim of Increasing Energy Security by 2025 Using the Analytic Hierarchy Process (AHP)." *Strategic Studies of Public Policy Quarterly*, Vol. 8(29), pp. 135-157. (IN PERSIAN)
- Energymonitor. (2021). Oil nations face perilous future without energy transition support. 8 April, <https://www.energymonitor.ai/policy/just-transition/oil-nations->

facing-a-perilous-future-without-energy-transition-support(Accessed 2024/1/20)

- Eslami, Masoud; Gharibi, Mohsen (2018). "New Geo-Economics of Energy and Its Implications for Global Energy Security." *Journal of Foreign Policy*, Vol. 32(2), pp. 71-102. (IN PERSIAN)
- Hafez Nia, Mohammad Reza; Faraji, Bahram (2014). "The Impact of Energy Geopolitics on the Formation of Regional Security Arrangements: A Case Study of the Persian Gulf Region from 1970 to 2010." *Afaq Quarterly*, Vol. 7(24), pp. 79-106. (IN PERSIAN)
- Ipi. (2020). *Achieving Energy Security*. <https://www.api.org/news-policy-and-issues/safety-and-system-integrity/achieving-energy-security> (Accessed 2024/1/20)
- Jahandideh, Ali (2018). "The Impact of Shale Oil Production on the U.S. Position in the Global Oil Market (2007-2017)." Master's Thesis in Political Science, Kharazmi University. (IN PERSIAN)
- Keohane, Robert, O. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton: Princeton University Press.
- Mir Torabi, Saeed; Yari, Maryam (2019). "The Impact of Shale Oil on U.S. Energy Security and Foreign Policy in the Persian Gulf." *Middle East Studies*, Vol. 26(2), pp. 89-114. (IN PERSIAN)
- Moshirzadeh, Homeira (2005). *Transformation in International Relations Theories*. Tehran: SAMT. (IN PERSIAN)
- Namdari, Behrouz; Barzegar, Keyhan (2019). "Unconventional Oil Resources (Shale) and OPEC's Trends." *Strategic Policy Research*, Vol. 8(28), pp. 293-325. (IN PERSIAN)
- Namdari, Behrouz; Barzegar, Keyhan; Ghavam, Seyed Abdolali (2018). "Evaluating the Impact of Unconventional Hydrocarbon Resources on the U.S. Strategic Shift in the Middle East Using the Correlation Method." *Journal of International Political Economy Studies*, Vol. 1(1), pp. 187-220. (IN PERSIAN)
- Noroozizadeh, Fathollah; Goodarzi, Mahnaz (2021). "Examining the Geopolitical and Geo-Economic Role of Energy Transit (Oil and Gas) in the Persian Gulf on Iran's National Security." *Journal of Political Studies of the Islamic World*, Vol. 11(4), pp. 99-120. (IN PERSIAN)



- Pourahmadi, Hossein; Mansourian, Asghar (2014). "Changes in U.S. Foreign Policy and Developments in the Middle East." *Strategic Studies*, Vol. 17(66), pp. 103-128. (IN PERSIAN)
- Rekabian, Rashid; Alepour, Mehrdad (2019). "Explaining Beijing's Energy Security Strategies in Key Energy Hubs: A Case Study of the Strategic West Asia Region." *Journal of Political Interpretation*, Vol. 1(1), pp. 35-63. (IN PERSIAN)
- Researchandmarkets. (2022). Middle-East Oil and Gas Line Pipe Market - Growth, Trends, COVID-19 Impact, and Forecasts (2022 - 2027). <https://www.researchandmarkets.com/reports/5529930/middle-east-oil-and-gas-line-pipe-market>
- Saeedi Niaser, Seyed Mohammad Reza (2016). "Assessing the Effectiveness of OPEC's Strategies in Response to the Shale Revolution." *Foreign Policy Quarterly*, Vol. 30(1), pp. 41-64. (IN PERSIAN)
- Salimi, M.; Amidpour, M. (2022). The Impact of Energy Transition on the Geopolitical Importance of Oil-Exporting Countries. *World*, 3(3), pp.607-618.
- Samadi, Ali Hossein; Emami Meybodi, Mehdi (2015). "Examining the Impact of the Expansion of Unconventional Gas Resources on Iran's Natural Gas Production: A System Dynamics Approach." *Iranian Energy Economics Research*, Vol. 4(15), pp. 1-42. (IN PERSIAN)
- Sayyadi, Mohammad; Khodaparast, Younes (2016). "The Development of the U.S. Shale Oil and Gas Industry and Its Economic and Political Implications for the Global Energy Market." *Oil and Gas Exploration and Production Monthly*, No. 139, pp. 48-58. (IN PERSIAN)
- Shiravi, Abdolhossein; Moradi Mazra'eh Nou, Abdolhossein (2019). "Legal Approaches to Risk Management in Shale Oil and Gas Extraction." *Energy Law Studies*, Vol. 5(2), pp. 313-333. (IN PERSIAN)
- Strange, Suzan. (1987). The Persistent Myth of Lost Hegemony. *International Organization*, 41(4), pp. 551-74.
- Strausscenter. (2020). Energy and Security. <https://www.strausscenter.org/energy-and-security-project/iran-2/> (Accessed 2024/1/20)

- Taheri, Abolghasem; Jokar, Mohammad Sadegh; Toosi, Mehdi (2015). "Global Commercialization Prospects of Shale Gas Resources and Its Strategic Impacts on the National Security of the Islamic Republic of Iran." *Defense Policy*, Vol. 23(2), pp. 207-229. (IN PERSIAN)
- Taheri, Abolghasem; Rostam Aghaie, Alireza (2016). "Shale Gas and Energy Security of Persian Gulf Countries." *Political Science Quarterly*, Vol. 12(37), pp. 145-181. (IN PERSIAN)
- Zarei, Bahador; Piltan, Farzad (2020). "The U.S. Strategic Pivot from the Persian Gulf to the Asia-Pacific Region." *Politics*, Vol. 50(1), pp. 111-131. (IN PERSIAN)
- Zibakalam, Sadegh; Arab Amiri, Javad (2014). "Unconventional Energy Sources and the Position of the Persian Gulf in U.S. Energy Security Policy." *Foreign Policy Quarterly*, Vol. 28(1), pp. 173-198. (IN PERSIAN)



Abstract